

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۰۴/۰۵  
تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۰۴/۰۶  
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۰۹/۱۰

مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۶  
دوره سوم، سال چهاردهم، شماره ۳  
صص: ۲۷-۴۴

## فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه‌ای در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی استان خراسان رضوی

محمد رضا آهنچیان\*

### چکیده

منطقه محل زیست، یکی از شاخص‌های اساسی برای طبقه‌بندی انواع نابرابری‌های آموزشی است. در این نوع نابرابری، بهره‌مندی فرد از آموزش و پرورش به دلیل ویژگی‌های محل زندگی‌اش محدود می‌شود. چون کنترل این ویژگی‌ها، به وسیله افراد امکان پذیر نیست، حق آنها برای دریافت آموزش برابر، تحت‌الشعاع تهدیدها و فرصت‌های بیرونی قرار می‌گیرد. شواهد موجود درباره نابرابری‌های منطقه‌ای آموزش، یکی از چالش‌های جدی نظام‌های آموزشی از جمله در ایران به شمار می‌آید. این مقاله با محور قراردادن این نوع نابرابری، یافته‌های حاصل از پژوهشی پیمایشی درباره برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق مرزی (محروم) و غیرمرزی (غیرمحروم) را به اختصار ارائه می‌نماید. پژوهش یاد شده در ۴۵ مدرسه در ۳ شهر منطقه مرزی و ۳۹ مدرسه در ۲ شهر منطقه غیرمرزی خراسان رضوی انجام گرفت، و با تحلیل یافته‌های حاصل از جستجو در مدارک، مشاهده، و دو فرم پرسشنامه به این نتیجه رسید که فرصت‌های ظاهری میان مناطق مقایسه شده، در سه عنصر درون‌داد، فرایند و تولیدات مدارس نشان‌دهنده نوعی نابرابری بحرانی نیست.

**کلیدواژگان:** فرصت‌های آموزشی، نابرابری منطقه‌ای، مناطق محروم (مرزی)، مناطق غیرمحروم (غیرمرزی)

---

\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، ahanchi8@um.ac.ir

## مقدمه

مسئله بسط «آموزش کیفی برای همه»<sup>۱</sup> جزو چالش‌های اصلی آموزش و پرورش به شمار می‌آید. برخورداری یکسان همگان از آموزش به معنی دارا بودن شانس برابر هر فرد در درون نظام آموزشی برای دسترسی به آموزش کیفی است. اما این امر، لزوماً موقوف به توزیع منابع، به کارگماری نیروهای انسانی و تهیه مواد آموزشی مربوط متناسب نمی‌شود، بلکه مجموعه پیچیده‌ای از عوامل درونی و بیرونی نظام آموزشی باید در ترکیبی هماهنگ و متوازن به خلق این شرایط اقدام کنند.

تردید درباره‌ی توان نظام‌های آموزشی در ایجاد تغییرات اساسی برای کاستن از نابرابری‌های منطقه‌ای<sup>۲</sup> در حالی است که نیاز کودکان نواحی دور دست یا کودکان در حاشیه، به آموزش و پرورش و مخصوصاً آموزش‌های کیفی بسیار جدی است. شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد وضعیت عمومی مدارس مناطق روستایی و دور افتاده برای یک یادگیری مناسب، چندان مطلوب نیست (برای مثال: معروفی، ۱۳۷۹).

امکانات ضعیف، منابع انسانی آموزش ندیده یا کم تجربه، معلمان و دانش‌آموزان بی‌تفاوت، عدم وجود هماهنگی لازم درون‌بخشی و بین‌بخشی و استفاده از روش‌های کهنه آموزشی از جمله مشکلات اساسی در این راه هستند. فرض می‌شود که محرومیت‌های زمینه، حتی آموزش‌های به روز و پیشرفته را بی‌نتیجه و کم اثر می‌کند. به همین دلیل دیگر سؤال اصلی این نیست که «آیا آموزش در فقرزدایی نقش دارد، بلکه سؤال این است که چه نوع آموزشی، در چه حالتی و متناسب با چه نوع بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی برای ایجاد تغییرات مثبت به سوی فقرزدایی مؤثر است؟» (یونسکو، ۱۳۷۹، ۹).

در چنین وضعیتی منطقی است اگر تحلیل پدیده نابرابری‌های منطقه‌ای در شبکه پیچیده‌ای از عوامل گوناگون که بسیاری از آنها خارج از دامنه نفوذ مدرسه است، صورت گیرد. در این شبکه رایج علت‌های روشن نابرابری یا حتی اولویت‌بندی آنها دشوار خواهد بود. این علت‌ها و رتبه‌بندی آنها از منطقه‌ای به منطقه دیگر و حتی در یک منطقه از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌کند. به استناد این واقع‌نگری، داوری درباره بسیاری از یافته‌های پژوهشی که گاه عملکرد

1- Qualitative Education For All (QEFA)  
2- regional disparity

تقسیم است. به عبارت دیگر دیدگاهها درباره اثرهای فرامدرسه‌ای بر نتایج تحصیلی با یکدیگر یکسان نیست. کارنوی و لوین<sup>۲</sup> (۱۳۶۷) معتقدند که مدارس، کارگزار زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان خود هستند. در جامعه‌ای که خانواده‌ها از لحاظ شرایط رفاهی- اقتصادی و پایگاه اجتماعی نابرابر هستند، مدارس در عمل قادر به پیشگامی در ایجاد برابری نخواهند بود. در چنین مواردی توان مدرسه در دگرگونی روابط موجود زیر سؤال است. به عبارت دیگر حتی با یکسان‌سازی نتایج آموزش نمی‌توان به کاهش فاصله‌های اجتماعی و توزیع ثروت پرداخت. افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند اغلب فاقد توانایی و مهارت‌های کافی برای زیست در ساخت‌های بومی- اجتماعی شهرها و مخصوصاً کلان شهرها هستند، ظرفیت توسعه سرمایه اجتماعی آنها محدود است، و شرایط لازم برای همگامی با تغییرات سریع و مؤثر را ندارند. فقر اطلاعات در شبکه ارتباطات مناطق دور افتاده و روستایی دسترسی به فرصت‌های رشد را محدود می‌کند. ساکنان این مناطق به طور کلی در نوعی انزوای

نظام‌های آموزشی در راه ایجاد برابری را مؤثر و گاه ناکارآمد اعلام می‌کنند، امکان‌پذیرتر خواهد بود.

دست زدن به اقدامات ترمیمی یا جبرانی از طریق توسعه فضای آموزشی، تزریق منابع مالی اضافی، و تأمین نیروی انسانی مطابق با استانداردها برای مبارزه با چنین نابرابری کافی نیست، چنین اقداماتی حداکثر به ایجاد توازن نسبی در نرخ ظاهری کارایی درونی می‌انجامد<sup>۱</sup>. این پژوهش که برای بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم/ مرزی، غیرمحروم/ غیرمرزی استان خراسان رضوی انجام شده است، عملکرد رسمی نظام آموزشی و قدرت نفوذ آن بر شرایط برخورداری و عدم برخورداری را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دیدگاه‌های موجود درباره نفوذ آموزش و پرورش در اصلاح شرایط محیطی، به نفع یک آموزش و پرورش برابر به دو دسته قابل

۱. یافته‌های مطالعه کلمن در دهه ۱۹۶۰ نقطه عزیمت تحلیل نابرابری بر اساس فقر منابع دروندادی نظام آموزشی به شبکه فقر (poorness net) آن سوی مرزهای مدرسه است.

فیزیکی و بیش از آن انزوای فرهنگی به سر می‌برند به نحوی که افزایش توان غلبه آنها بر شبکه فقر، به کمک حضور در مدارس، مورد تردید است. این نگاه بدبینانه تا آنجا ادامه می‌یابد که کارنوی حتی آموزش‌های انفرادی که برای جبران کمبودهای طبقات پایین اجتماعی- اقتصادی ترتیب داده می‌شود را در عمل برای "تثبیت مشاغل و نقش‌های اجتماعی پست‌تر برای فقرا تفسیر می‌کند" (کارنوی و لوین، ۱۳۶۷). از سوی دیگر پاره‌ای صاحب‌نظران چون برزینکا، شیفلین، و هینمن<sup>۱</sup> معتقدند که نباید اثر مدرسه را دست‌کم گرفت به نحوی که متغیرهای مدرسه‌ای، از متغیرهای خانوادگی نقش نسبتاً مهم‌تری داشته باشند. شاید بتوان نظر کرانباخ را دیدگاه بینابینی و متعادل‌تری دانست. به نظر او شرایط نمی‌توانند از خوب تا بد و از غنی تا ضعیف مرتب شوند، محیطی که بسیار محرک است و رشد دلخواه را برای بعضی دانش‌آموزان فراهم می‌نماید ممکن است برای بعضی‌ها مناسب نباشد. به عبارت دیگر شرایط محیطی به دلیل چند بعدی بودن، با هم فرق دارند، و نوع دلخواه آن با توجه به هر بعد، بستگی به وضع فرد

در آن لحظه از زمان دارد (هانت و سولیوان، ۱۳۶۷).

بسیاری تحقیقات انجام شده در داخل کشور از وجود نابرابری بین مناطق حکایت می‌کنند. برای نمونه در دهه ۱۳۶۰ یافته‌های کمیته برنامه‌ریزی آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش اصفهان (۱۳۶۸)، نوروزی و همکاران (۱۳۶۵) در استان مازندران، در دهه ۱۳۷۰ نتایج تحقیقات کلیدری (۱۳۷۴) در استان خراسان، کرمی (۱۳۷۴) در استان ایلام، برمر (۱۳۷۳) در استان تهران، خدابخش (۱۳۷۳) در استان گیلان، اسماعیل‌سر (۱۳۷۲) در استان کردستان، عبدالهی (۱۳۷۴) در استان آذربایجان غربی، ثمری (۱۳۷۷) در استان اردبیل، فقیهی (۱۳۷۳) در استان مرکزی، رفیعی (۱۳۷۸) در استان کرمان، ولی‌پور (۱۳۷۴) در استان آذربایجان شرقی، و در دهه ۱۳۸۰ تحقیقات نبی‌زاده سرابندی (۱۳۸۲) در استان سیستان و بلوچستان، جلالی (۱۳۸۶) در مناطق شمال و جنوب شهر تهران، سرخ (۱۳۸۶) در استان آذربایجان غربی وجود نابرابری میان مناطق، شهرها و استان‌های کشور را نشان می‌دهند. نبی‌زاده سرابندی (۱۳۸۲) در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که میانگین پوشش تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع سه‌گانه، نرخ

1- Brezinka, Schiefelbein, &amp; Heyneman

گذر تحصیلی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه، در استان سیستان و بلوچستان از میانگین کشوری پایین‌تر است. معروفی (۱۳۷۹) در نتیجه پژوهش خود اعلام می‌کند که مناطق شهری به نسبت مناطق روستایی استان کردستان از اندازه‌های مناسب‌تری در شاخص‌های نرخ ثبت‌نام، نرخ گذر، و برخورداری متوازن دو جنسیت از آموزش برخوردارند، به علاوه بر اساس نرخ پوشش تحصیلی، توزیع نیروی انسانی، نسبت دانش‌آموز به معلم، سطح مدرک تحصیلی دبیران، منابع کالبدی مثل تعداد کلاس‌های دایر، و شاخص‌های کارایی نابرابری‌های منطقه‌ای مشاهده می‌شود. سرخ (۱۳۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که در هیچ یک از مناطق استان آذربایجان غربی، گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم متناسب با سهم جمعیتی خود و به طور مساوی به فرصت‌های آموزشی دوره ابتدایی دسترسی نداشته‌اند، به نحوی که لازم‌التعلیمان مناطق شهری بیش از مناطق روستایی به فرصت‌های آموزشی دسترسی داشته‌اند. حبیب (۱۳۷۶) در یک پژوهش ملی، وجود نابرابری در ۶۰۰ منطقه آموزشی و ۲۶ استان کشور را اعلام می‌کند.

### روش پژوهش

پژوهش به روش پیمایشی مقطعی انجام شد.

### جامعه و روش نمونه‌گیری

نمونه آماری شامل ۴۵ مدرسه در منطقه مرزی و ۳۹ مدرسه در منطقه غیرمرزی و در مجموع ۸۴ مدرسه است. حجم نمونه برای دو گروه نمونه در شرایطی که معیار جامعه نامعلوم است بر اساس فرمول متناسب برای یک آزمون دو سویه تعیین گردید (شیولسون، ۱۳۶۶). از مجموع ۸۴ مدرسه، ۳۸ مدرسه ابتدایی (۱۰ روستایی، ۲۸ شهری)، ۲۵ مدرسه راهنمایی (۷ روستایی و ۱۸ شهری) و ۲۱ مدرسه متوسطه (۵ روستایی و ۱۶ شهری) هستند که بر اساس انتخاب تصادفی و به روش طبقه‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه در منطقه مرزی شامل ۵۳٪ از کل مدارس نمونه از ۳ شهر خواف، سرخس، درگز و در منطقه غیرمرزی شامل ۴۷٪ کل مدارس از ۲ شهر کاشمر و مشهد است. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه روش پرسشنامه، مراجعه به مدارک و مشاهده استفاده شد. پرسشنامه‌ها و معیارهای مشاهده، با استفاده از شاخص‌ها طراحی شدند. ۶۶ شاخص به

نابرابری‌های منطقه‌ای نشان از تداوم و حتی گاهی افزایش نابرابری‌ها در داخل کشور دارد. برای مثال درجه توسعه نیافتگی آموزشی محروم‌ترین استان کشور (سیستان و بلوچستان) ۹۵٪ و برخوردارترین استان کشور (یزد) ۲۲٪، در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ افزایش یافته است (دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی، ۱۳۸۱).

به استناد پیشینه، در یک بازه زمانی ۲۲ ساله و توسط پژوهشگرانی از میان اعضای هیأت علمی دانشگاهها، کارشناسان و مدرسان آموزش و پرورش، کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی، پژوهش حاضر وجود تفاوت‌های منطقه‌ای در فرصت‌های آموزشی مناطق مرزی و غیرمرزی استان خراسان رضوی را به عنوان یک پیش فرض پذیرفت و مبنای فرضیه‌پردازی خود قرار داد. فرضیه پژوهش. فرصت‌های آموزشی در دو منطقه محروم/مرزی و غیر محروم/غیر مرزی خراسان رضوی با یکدیگر تفاوت دارد. بر اساس این فرضیه، چهار فرضیه فرعی برای پژوهش تنظیم شد که ناظر بر نابرابری در دروندادها، عوامل فرایندی، برون‌دادها، و عوامل برون سیستمی است.

**یافته‌ها**

مهمترین یافته‌های تحقیق بر اساس چهار فرضیه فرعی تحقیق عبارتند از:

**۱. درونداها****۱-۱. منابع انسانی**

نسبت کادر آموزشی به غیرآموزشی، نسبت دانش‌آموز به نیروی غیرآموزشی، و توزیع معلمان بر اساس سابقه کار، در دو منطقه به سود مناطق مرزی تفاوت معنی‌دار دارند. برای مثال، میانگین نسبت کادر آموزشی به غیرآموزشی در مدارس مناطق مرزی ۵ عضو آموزشی در مقابل یک عضو غیرآموزشی و برای مناطق غیرمرزی ۱۲ در مقابل یک است. برای تعیین معنی‌داری تفاوت بین مناطق مرزی- غیرمرزی، نتایج آزمون t در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس تحلیل، فرض صفر رد

استناد مآخذ وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق، و وزارت آموزش و پرورش تعیین شد و مبنای تهیه ابزار و طراحی سئوالات پژوهش گردید. چون منابع داده‌ها آمار و مشاهدات هستند که در بی‌نهایت اندازه‌گیری یکسان است، اعتبار پرسشنامه‌ها تأیید می‌شوند. روایی ابزار نیز که هدف سنجش میزان واقعی خصیصه را تعقیب می‌کند، از طریق روایی محتوا و با مراجعه به نظر کارشناسان مربوطه در آموزش و پرورش و مدیران آموزشی با سابقه بررسی شد.

**روش تحلیل داده‌ها**

داده‌ها با استفاده از آخرین نرم‌افزارهای موجود برای تعیین معنی‌داری تفاوت بین میانگین‌ها به کمک آزمون t، تحلیل واریانس یک طرفه و اجرای آزمون تعقیبی (LSD) تحلیل آماری شدند.

جدول ۱. نسبت کادر آموزشی به غیرآموزشی در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۲۹	۱۱/۹۷	۸/۶۹	۱/۶۱	۲۸/۵۲	۰/۰۰۰	۳/۹۷	۰/۰۰۰
مرزی	۴۳	۴/۹۷	۴/۶۸	۰/۷۱				

جدول ۲. مقایسه نسبت دانش‌آموز به معلم در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۳۶	۱۵/۶۶	۶/۶۲	۱/۱	۰/۹۷۱	۰/۳۲۷	-۱/۸۸	۰/۰۶۴
مرزی	۴۸	۱۸/۵۸	۷/۳۵	۱/۰۶				

جدول ۳. مقایسه میزان تحصیلات مدیران مدارس در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۴۰	۱۴/۲۵	۱/۷۰	۰/۲۷	۱/۰۰۶	۰/۳۱۹	۱/۰۱	۰/۹۸۸
مرزی	۴۹	۱۴/۲۴	۱/۶۱	۰/۲۳				

می‌شود یعنی بین دو منطقه مرزی- غیرمرزی تفاوت معنی‌دار در نسبت کادر آموزشی به غیرآموزشی مشاهده می‌شود. میانگین و انحراف معیار نشان می‌دهد که این نسبت در مناطق مرزی وضعیت مطلوب‌تری دارد و اختلاف آن بین مدارس این منطقه کمتر است. در بقیه شاخص‌ها یعنی نسبت دانش‌آموز به معلم و نسبت معلمان غیربومی به کل معلمان تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. برای مثال، جدول ۲ نسبت دانش‌آموز به معلم را در دو منطقه نشان می‌دهد. تحلیل آماری فرض صفر را رد نمی‌کند. بین دو منطقه مرزی- غیرمرزی در این نسبت تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. به دلیل نقش کلیدی مدیر مدرسه در پیشبرد هدف‌های آموزش و پرورش میزان تحصیلات مدیر، سابقه کار آموزشی، سابقه کار مدیریتی، تناسب رشته تحصیلی با مدیریت، و بومی بودن مدیر مدرسه بررسی شد. نتایج آزمون t تفاوت معنی‌داری بین دو منطقه را نشان نمی‌دهد. برای مثال، با در نظر گرفتن نمره ۱۲ برای مدرک دیپلم، ۱۴ فوق دیپلم، ۱۶ لیسانس، ۱۸ فوق لیسانس و ۲۰ دکتری، نتایج آزمون t طبق جدول ۳ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دو منطقه از نظر میزان تحصیلات مدیران مدارس وجود ندارد.



## ۲-۱. بودجه و منابع مالی

میانگین سرانه دانش‌آموزی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

شاخص‌های مورد مطالعه در این متغیر عبارتند از: سرانه کل دانش‌آموزی در سال اجرای تحقیق، سرانه کل دانش‌آموزی در سال پیش از اجرای تحقیق، نسبت سرانه کل دانش‌آموزی بین دو سال، میزان کمک‌های مالی سایر منابع به مدرسه و توزیع هزینه‌ها در ردیف‌های بودجه مدرسه. در هیچ یک از این شاخص‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. برای مثال، نتایج آزمون t در جدول ۴ نشان می‌دهد که به رغم بالاتر بودن مبلغ سرانه در مناطق غیرمرزی (۱۶۲۲ هزار ریال در مقابل ۹۴۲ هزار ریال)، بین دو منطقه در

## ۱. پوشش تحصیلی

مقایسه این شاخص نشان می‌دهد که نرخ پوشش تحصیلی ظاهری به جز مقطع ابتدایی، در دو مقطع دیگر در مناطق غیرمرزی بالاتر از منطقه مرزی است. همچنین، فرصت دسترسی به آموزش در منطقه مرزی ۸۷٪ و در منطقه غیرمرزی ۹۹٪ است. جدول ۵ نتایج این مقایسه بر اساس تقسیم تعداد دانش‌آموزان یک دوره تحصیلی بر جمعیت لازم‌التعلیم آن دوره ضرب در صد را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه میانگین سرانه دانش‌آموزی در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۳۱	۱۶۲۲	۲۴۲۳	۴۶۶/۴	۴/۴۰۶	۰/۰۴	۱/۳	۰/۲۰۱
مرزی	۲۷	۹۴۲	۱۳۱۲	۲۳۵/۸				

جدول ۵. نرخ پوشش تحصیلی ظاهری در مقاطع سه گانه مناطق آموزشی

منطقه	مشهد	کاشمر	منطقه مرزی	سرخس	درگز	خواف	شهرستان-منطقه مقطع
غیرمرزی	۱۰۰	۷۳	۹۷	۱۰۵	۸۴	۱۰۱	ابتدایی
	۱۰۰	۷۲	۷۸	۸۰	۸۶	۶۸	راهنمایی
	۸۳	۶۶	۵۴	۵۱	۷	۴۵	متوسطه

## ۴-۱. فضا

جمعیت دانش‌آموزی به نفع دانش‌آموزان پسر است.

به جز نسبت دانش‌آموز به فضای آموزشی به سود منطقه مرزی، در سایر شاخص‌های مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. این شاخص‌ها عبارتند از: نسبت دانش‌آموز به فضای غیرآموزشی مدرسه، میانگین مدارس چند نوبتی، ویژگی‌های زیرساختی و موقعیت و ظاهر مدرسه که در ۱۲ شاخص جزئی‌تر شامل وضعیت سرویس بهداشتی و وضعیت کفپوش مدرسه بررسی شدند.

## ۲-۲. میانگین زمان آموزش

از لحاظ میانگین ساعات هفتگی آموزش، تفاوتی بین دو منطقه مشاهده نمی‌شود.

## ۳-۲. مناسبات درون مدرسه‌ای

در زمینه‌های ارتباطی دانش‌آموز-معلم بر حول موضوعات درسی، میزان همکاری دانش‌آموز-معلم و دانش‌آموز-دانش‌آموز در فعالیت‌های فوق برنامه، میزان مناسبات معلم-مدیر در امور حرفه‌ای، میزان همکاری حرفه‌ای بین معلمان، تفاوت معنی‌دار به سود منطقه غیرمرزی دیده می‌شود. در سایر شاخص‌ها یعنی میزان ارتباط مسئولان اجرایی مدرسه-دانش‌آموزان، و میزان مناسبات معلم-دانش‌آموز تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. برای مثال، میانگین مناسبات معلم-دانش‌آموز در فعالیت‌های فوق برنامه در جدول ۶ مشخص شده است. بر اساس آزمون  $t$  بین دو منطقه، از لحاظ وجود مناسبات معلم-دانش‌آموز در فعالیت‌های خارج از کلاس، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. یعنی فرض صفر رد

## ۵-۱. امکانات و منابع مادی

رسانه‌های آموزشی و سایر امکانات جانبی (دستگاه تکثیر، تابلوی کلاس، وسایل ورزشی، وسایل بهداشتی، مجلات علمی، روزنامه، و کتابخانه) در منطقه غیرمرزی به جز در مورد وسایل بهداشتی، وضعیت بهتری از منطقه مرزی دارد.

## ۲. فرایند

## ۲-۱. ساخت هرم جنسیتی جمعیت دانش‌آموزی

به جز در مقطع متوسطه منطقه غیرمرزی، در بقیه پایه-مقاطع تحصیلی ترکیب

جدول ۶. مقایسه مناسبات معلم- دانش‌آموز در فعالیت‌های فوق برنامه در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۳۶	۰/۴۴۴	۰/۵۰۴	۰/۰۸۴	۰/۵۵۸	۰/۴۵۷	۰/۴	۰/۶۹۲
مرزی	۴۵	۰/۴۰۰	۰/۴۹۵	۰/۰۷۴				

جدول ۷. مقایسه تعداد دانش‌آموزانی که طی سال تحصیلی در مناطق مرزی و غیرمرزی مدرسه را ترک کرده‌اند

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۳۸	۱۴/۰۵	۳۰/۲۴	۴/۹۰۶	۱۱/۶۳۴	۰/۰۰۱	۲/۱۷	۰/۰۳۶
مرزی	۴۷	۳/۲۹	۴/۶۴	٪۶۷۸				

می‌شود.

تحصیلی در منطقه مرزی مدرسه را ترک کرده‌اند (انتقال یا جا به جایی)، به صورت معنی‌داری کمتر از منطقه غیرمرزی است.

#### ۲-۴. مناسبات برون مدرسه‌ای

جدول ۷ نتایج آزمون t را نشان می‌دهد. در بقیه شاخص‌ها یعنی نسبت دانش‌آموزان شرکت‌کننده در امتحانات پایانی به ثبت‌نام‌کنندگان و نسبت دانش‌آموزان مردود شده به دانش‌آموزان ثبت‌نام شده در ابتدای سال تحصیلی در همان پایه، تفاوت معنی‌دار آماری دیده نمی‌شود. جدول ۸ عدم تفاوت معنی‌دار در شاخص اول را نشان می‌دهد.

در میزان مناسبات شورای محلی- مدرسه تفاوت معنی‌دار به سود منطقه غیرمرزی دیده می‌شود. در سایر شاخص‌ها (رابطه خانه-مدرسه، رابطه با سایر مدارس، رابطه مدرسه با سایر مؤسسات و نهادها، نوع مناسبات و محل برگزاری نشست‌های مشترک) تفاوت معنی‌داری پیدا نشد.

#### ۲-۵. وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان

تعداد دانش‌آموزانی که طی سال

جدول ۸. مقایسه نسبت دانش‌آموزان شرکت‌کننده در امتحانات پایانی به ثبت‌نام‌کنندگان در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۲۳	۰/۹۳	۰/۳۱	۰/۰۶۵	۴/۱۱	۰/۰۴۸	۱/۰۲	۰/۳۱۶
مرزی	۲۴	۱۱/۵۵	۵۰/۸	۱۰/۳۶۹				

جدول ۹. مقایسه نرخ ارتقای پایه اول به دوم متوسطه در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۱۱	۰/۸۶۹	۰/۵۰۷	۰/۱۵۳	۱/۹۴	۰/۱۷۹	۰/۵۳	۰/۵۹۹
مرزی	۱۰	۰/۷۷۴	۰/۲۴۷	٪۷۸				

### ۳. برونداد

#### ۳-۱. نرخ ارتقاء

به جز نرخ ارتقاء از پایه دوم به سوم راهنمایی که تفاوت معنی‌داری به سود منطقه غیرمرزی دارد، در سایر پایه‌های تحصیلی مقاطع سه‌گانه تفاوت معنی‌داری بین دو منطقه مشاهده نشد. برای مثال، آزمون t (جدول ۹) نشان می‌دهد که در نرخ ارتقای پایه اول به دوم متوسطه در دو منطقه، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما مقایسه میانگین‌ها نشان دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب‌تر منطقه غیرمرزی نسبت به منطقه مرزی است (Mean Difference = ٪۹۵).

#### ۳-۲. نرخ افت تحصیلی

در شاخص‌های اصلی (نسبت دانش‌آموزان مردود شده به شرکت‌کنندگان در امتحانات پایان سال تحصیلی و تعداد دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی جاری ترک تحصیل کرده‌اند)، تفاوت معنی‌دار آماری بین دو منطقه مشاهده نشد. جدول ۱۰ به عنوان نمونه، میانگین دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده طی سال تحصیلی را نشان می‌دهد. با وجود تأیید فرض صفر، تفاوت ظاهری بین میانگین‌ها (MD= ۳/۷۱) به نفع مناطق مرزی قابل توجه است و نشان می‌دهد که

جدول ۱۰. مقایسه دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۳۹	۷/۰۵	۲۳/۹۵	۳/۸۳	۳/۴۵	۰/۰۶۷	۱/۰۴	۰/۳
مرزی	۴۷	۳/۳۴	۴/۲۷	۰/۶۲۳				

۳-۴. توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های میانگین دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده در مدارس مناطق مرزی کمتر از مناطق غیرمرزی است. تعداد دانش‌آموزان در رشته ریاضی-

فیزیک به سود منطقه غیرمرزی، در علوم

تجربی به سود مرزی و در علوم انسانی

تفاوتی مشاهده نمی‌شود. نسبت دانش‌آموزان

مقطع متوسطه که به انتخاب رشته‌های فنی-

حرفه‌ای (کار و دانش) دست زده‌اند، در

منطقه غیرمرزی بیشتر است. جدول ۱۲

میانگین توزیع دانش‌آموزان را در این رشته‌ها

نشان می‌دهد.

۳-۳. موفقیت در ورود به آموزش عالی

تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در

کنکور دانشگاهها در مدارس مناطق غیرمرزی

به طور معنی‌داری بیشتر از مناطق مرزی

است. جدول ۱۱ نتایج آزمون t را نشان

می‌دهد. در عین حال، میانگین ورود به دوره

پیش دانشگاهی تفاوتی بین دو منطقه را نشان

نمی‌دهد.

جدول ۱۱. مقایسه دانش‌آموزان پذیرفته شده در کنکور دانشگاهها در مناطق مرزی و غیرمرزی

منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	F	P	t	P
غیرمرزی	۱۰	۲۹/۹	۳۹/۸۷	۱۲/۶۰۱	۲۴/۸۸	۰/۰۰۰	۲/۲۲	۰/۴۳
مرزی	۱۰	۱/۷	۴/۷۱	۱/۴۹				

جدول ۱۲. توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی مقطع متوسطه در مناطق مرزی و غیرمرزی

رشته منطقه	ریاضی		علوم تجربی		علوم انسانی		فنی-حرفه ای	
	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی
غیرمرزی	۴۲/۷۳	۴۷۰	۴۰/۵۵	۶۳۳	۵۷/۵۵	۵۴۷	۴۹/۷۳	
مرزی	۲۳/۴۰	۲۳۴	۳۶/۸	۳۶/۸	۵۴	۳۰۲	۳۰/۲	

### ۳-۵. سایر

مختلف سنی، نسبت فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، تعداد کتاب در کتابخانه‌های عمومی، جمعیت مراجعه کننده به کتابخانه‌های عمومی و تعداد سالن سینما، به ۱۰۰۰ نفر جمعیت و درصد خانوار دارای گیرنده رادیویی و حداقل تلویزیون سیاه و سفید است.

نسبت دانش‌آموزان ثبت نام شده در سال جاری به یک سال قبل در دو مقطع نخست تحصیلی در منطقه مرزی و در مقطع متوسطه، در منطقه غیرمرزی بالاتر است، مقایسه نسبت دانش‌آموزان شرکت‌کننده در امتحان به ثبت‌نامی‌ها در دو منطقه تفاوت معنی‌داری ندارد.

### نتیجه‌گیری و بحث

#### ۴. شرایط زمینه‌ای

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در دو عنصر «درون‌داد» و «فرایند»، بدان صورت که در این پژوهش تعریف شد، تفاوت معنی‌داری در شاخص‌های فرصت در دو منطقه مرزی- غیرمرزی دیده نمی‌شود. اصلی‌ترین تفاوت‌ها در نابرابری نسبی برون‌دادها یا نتایج آنی است که در برخی شاخص‌ها مانند نسبت پذیرفته‌شدگان در کنکور سراسری به سود مناطق غیرمرزی مشاهده می‌شود. به این ترتیب می‌توان

در عامل‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین دو منطقه تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. عمده شاخص‌ها به سود منطقه غیرمرزی تفاوت‌های معنی‌داری را نشان می‌دهد. از جمله این شاخص‌ها نوع معیشت، درآمد سرانه، میانگین خانوار، شهر یا روستائینی، آب لوله‌کشی، دسترسی به برق، داشتن حمام شخصی، نرخ سواد، درصد جمعیت در حال تحصیل در گروه‌های

برابری در دستیابی به بروندهای بلندمدت ناشی از تحصیلات را پیش‌بینی کرد. به علاوه عوامل برون سیستمی که اثر آن بر نظام آموزشی مفروض است و البته کنترل آن بر عهده آموزش و پرورش نیست، تفاوت‌های اساسی بین دو منطقه را نشان می‌دهد. یک تصویر کلی از نتایج نشان می‌دهد که نظام آموزشی توانسته است تا حد زیادی از نابرابری‌های میان مناطق و شهرهای نمونه تحقیق در ارتباط با منابع مورد نیاز فرایند تدریس و آموزش بکاهد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد چنان نابرابری که حساس و بحرانی به شمار آید و کنترل آن به طور مستقیم بر عهده نظام آموزشی باشد وجود ندارد.

هر چند یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تزریق منابع اضافی آموزشی به مدارس مناطقی که دچار محرومیت در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند به ایجاد شرایط برابر بر اساس شاخص‌های ظاهری یک محیط آموزشی کمک می‌کند، اما این وضعیت به معنی ریشه‌کنی نابرابری و یا ایجاد شرایط برابر تحصیلی نیست. تحلیل یافته‌های این پژوهش و مرور یافته‌های سایر تحقیقات به ارایه این بحث کمک می‌کند که ایجاد فرصت‌های

برابر آموزشی، نیازمند بازبینی و اصلاح مبانی فلسفی سیاست‌گذاری‌های آموزشی و مبانی معرفت‌شناختی اجتماع است تا به این ترتیب از اثرهای غیرمستقیم اما نافذ این بنیادها در فرایند پیچیده ذهن‌پردازی، هنگام طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش مدرسه‌ای بکاهد. در مسیر تحقق آرمان‌های بلند عدالت‌طلبانه، یک ملت پیش از هر چیز باید این مفهوم را به درستی بشناسد، بستر مناسب فکری و فرهنگی برای استقرار یک نظام اجتماعی عدالت‌طلب را فراهم سازد و با انتخاب ساز و کاری متناسب، امکان دستیابی به آن را ارتقا دهد. تلاش برای ارتقای برابری در دسترسی و کیفیت خدمات آموزشی در مناطق مختلف کشور یکی از این ساز و کارها به شمار می‌رود.

### قدردانی

در مرحله اجرای پژوهش حاضر آقای دکتر بختیار شعبانی‌ورکی و آقای دکتر حسینعلی کوهستانی، اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی، همکاری داشته‌اند که بدین وسیله از آنان تشکر می‌کنم.

## منابع

## فارسی

- اسماعیل‌سر، جعفر (۱۳۷۲). بررسی میزان دستیابی لازم‌التعلیمان مناطق مختلف استان کردستان به فرصت‌های آموزشی در سال ۶۵ و ۷۰ و ارایه راه حل‌های علمی برای رسیدن به فرصت‌های آموزشی متعادل. پایان‌نامه فوق لیسانس چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- برمر، سعدالله (۱۳۷۳). بررسی و مقایسه مدارس منطقه اسلام‌شهر با استانداردهای آموزش و پرورش و مقایسه آن با منطقه ۶ تهران، از نظر منابع انسانی، مالی، مواد، تجهیزات و فضاهای آموزشی. پایان‌نامه فوق‌لیسانس چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ثمری، عیسی (۱۳۷۷). ارزیابی دروندادهای نظام آموزش ابتدایی و رابطه آن با ارتقای کیفیت بروندادهای این نظام در شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۷۶-۷۵. پایان‌نامه فوق لیسانس چاپ نشده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۶). تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای واسطه‌ای. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال ۲۳، شماره ۳.
- حبیب، محسن (۱۳۷۶). رتبه‌بندی مناطق آموزشی کشور از نظر معیارهای توسعه آموزشی. دفتر هماهنگی و تلفیق طرح‌ها و برنامه‌ها، وزارت آموزش و پرورش.
- خدابخش، افراسیاب (۱۳۷۳). مقایسه میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی بین مناطق آموزشی استان گیلان در دوره تحصیلی متوسطه عمومی طی سال‌های ۷۱-۷۰، ۶۷-۶۶. پایان‌نامه فوق‌لیسانس چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی (۱۳۸۱). *سیمای توسعه آموزشی استان‌ها*. تهران: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش با همکاری صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف).



- سرخ، اسماعیل (۱۳۸۶). نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰). *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال ۲۳ شماره ۳.
- شیولسون، ریچارد (۱۳۶۶). *استدلال آماری در علوم رفتاری*. ترجمه علیرضا کیامنش. چ ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عبداللهی، حسین (۱۳۷۴). *بررسی و مقایسه دوره آموزش متوسطه نظری شهرهای استان آذربایجان غربی از نظر بودجه، نیروی انسانی و امکانات آموزشی در برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۱) به منظور توزیع عادلانه امکانات بین مناطق*. پایان‌نامه فوق‌لیسانس چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.
- فقیهی، علیرضا (۱۳۷۳). *بررسی رابطه برخی از درون‌دهای نظام آموزش ابتدایی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان اراک (۷۳-۷۲)*. پایان‌نامه فوق‌لیسانس چاپ نشده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- کارنوی، مارتین و لوین، هنری (۱۳۶۷). *بن‌بست‌های اصلاحات آموزشی*. ترجمه محمدحسن امیرتیموری. تهران: نشر روز.
- کرمی، میرحمزه (۱۳۷۴). *بررسی میزان دستیابی فرصت‌های آموزشی بین مناطق و شهرستان‌های استان ایلام در سال ۷۴-۷۳ برای ارایه راه‌حل‌های مناسب*. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام.
- کلیدری، محمدحسن (۱۳۷۴). *بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی برنامه اول ۷۲-۶۱*. پایان‌نامه فوق‌لیسانس چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کمیته برنامه‌ریزی آموزش متوسطه استان اصفهان (۱۳۶۸). *نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی در استان اصفهان*. معاونت آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش اصفهان.

- معروفی، یحیی (۱۳۷۹). بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه در شهرستانها و مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۲-۷۱ الی ۷۸-۷۷. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان کردستان.
- نبی‌زاده‌سرابندی، سیما (۱۳۸۲). رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی استان سیستان و بلوچستان از نظر فرصت‌های آموزشی سال تحصیلی ۸۱-۸۰. سازمان آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان.
- نوروزی، داریوش و همکاران (۱۳۶۵). بررسی پایگاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دانشجویان دانشگاه مازندان، بابلسر، معاونت پژوهشی دانشگاه مازندان.
- ولی‌پور، سیاوش (۱۳۷۳). بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی در بین مناطق آموزشی استان آذربایجان شرقی به تفکیک دوره‌های مختلف تحصیلی در سال ۷۲-۷۱. شورای تحقیقات آموزش و پرورش اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- هانت، دیمید و سولیوان، ادموندز (۱۳۶۷). رابطه بین آموزش و پرورش و روان‌شناسی. ترجمه اکبر میرحسینی، تهران: نشر بامداد.
- یونسکو (۱۳۷۹). آموزش اساسی به منظور فقرزدایی، ترجمه کارشناسان دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، تهران: انتشارات دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش.

لاتین

Farrell, J. B. (1994). **Social Equality and Educational Expansion in Developing Nations**. From: International Encyclopedia of Education. by: Husen and postlethwaite. Pergamon press.